

فرنگیات و ترکیبات شعر عصر ساسانی
(رودکی و شاعران هم عصر وی دیوان)

دکتر غلامعلی فلاح

سرشناسه : فلاح قهرودی، غلامعلی، ۱۳۳۰ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ لغات و ترکیبات شعر عصر سامانی رودکی، شاعران هم عصر و بی دیوان / غلامعلی، ف.

مشخصات نشر : بهران، نافع، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ک، ۳۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰۲-۹۳۱۸۸-۵-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- واژه نامه ها

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- بررسی ها

رده بندی کنگره : PIR ۱۳۹۴۴۱۲۰۴۸ / ف

رده بندی دیویی : ۲۱۰۳/۱۶۸

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۹۷۸۷۴

ISBN: 978-600-93188-5-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰۲-۹۳۱۸۸-۵-۸



عنوان :	فرهنگ لغات و ترکیبات شعر عصر سامانی (رودکی، شاعران هم عصر و بی دیوان)
مؤلف :	دکتر غلامعلی فلاح (عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی)
حروفچینی :	انتشارات نافع نو
نوبت چاپ :	اول / زمستان ۱۳۹۴
چاپ :	دانشگاه خوارزمی
شمارگان :	۱۰۰۰
قیمت :	۴۰۰۰۰۰ ریال

سرسخن

دانش آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی باید شمه زبانی و شمه ادبی داشته باشد تا بتوان بر او عنوان کارشناسی این رشته را اطلاق کرد. در گذشته‌های نه‌چندان دور چنان‌که از خاطرات مکتوب استادان بنام ما و تجربه‌های شخصی خودمان، در دوره‌های مختلف تحصیلی اعم از دوره دبیرستان، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، برمی‌آید، استادان سلف بیش از همه بر شمه زبانی طالب علم تأکید داشتند و پس از آن اگر فرصتی بود - به شمه ادبی او می‌پرداختند. در یک کلام بنابر شاگردانی تربیت می‌کردند که زبان‌اندیش باشند و بی‌آنکه هایدگر خوانده باشند، زبان را خانه هستی انسان می‌دانستند، و البته این همه را از رهگذر تجربه و کار علمی حاصل کرده بودند.

متأسفانه هرچه جلوتر می‌آییم، بعد زبان‌اندیشی رشته زبان و ادبیات فارسی ما کم‌رنگ‌تر می‌شود و بعد ادبی به وجه غالب رشته تبدیل می‌شود، تا آنجا که می‌توان مدعی شد که از زبان در این رشته کمتر خبری هست و حال آنکه شرط رسیدن به شمه ادبی فاخر، داشتن شمه زبانی کارآمد است.

این روزها تحت تأثیر فرایند غرب‌زدگی، در دانشکده‌های ادبیات که نشانی از زبان فارسی که مؤلفه اصلی هویت ماست می‌یابیم. این روزها چنان وازگان عربی در محاورات استادان در کلاس درس و بیرون از آن سیطره دارد که اگر استادی از این ویژگی برخوردار نباشد او را روزآمد نمی‌دانند. حال آنکه همه تلاش دانشگاهیان در حوزه‌های مختلف باید در خدمت زبان فارسی باشد و همه باید در غنای این زبان که نشانه ایرانی‌بودن ماست بکوشند و غیرت خاصی به آن نشان دهند. همین دغدغه و بسی دقایق دیگر سلسله‌جنبان ما در تهیه و تدوین فرهنگ حاضر بوده است. بی‌تردید بنده هنوز همانند استادان سلف خود بیشتر بر شمه زبانی شاگردان تأکید دارم و امیدوارم که این مهم تحت تأثیر جریان‌های پرزرق و برق قرار نگیرد و دست‌کم ما که از رهگذر زبان فارسی امرار معاش می‌کنیم نسبت به این زبان غیورتر از دیگران باشیم.

اهمیت این فرهنگ، چنان که در مقدمه خواهد آمد، به دلایلی چند، از جمله اهمیت دوره اول در تکوین شعر پارسی است. آثار معدودی که از این دوره مهم به یادگار باقی است نمایش‌دهنده شیوه فکر و ساختار اندیشه و وضعیت زبان فارسی در دوره اول شعر پارسی است که عامل برانگیزاننده ما برای ثبت و ضبط این میراث ارزشمند و گران‌ارج بوده است.

در تألیف فرهنگ حاضر از مساعدت و معاضدت همکاران و دوستان دانشگاهی‌ام بهره‌مند بوده‌ام. در اینجا مراتب سپاس و تشکر خود را از این عزیزان ابراز می‌دارم و از جان و دل قدردان محبت ایشان هستم: از همکار لغت‌شناس و دانشگاهی‌ام جناب آقای دکتر ایرج مهرکی و استاد ارجمند و همکاران فرزانه آقایان دکتر حبیب‌الله عباسی و دکتر مسعود جعفری جزه و به‌ویژه از خانم فخری زمانی کارشناس فاضل و کوشای مرکز پژوهشی زبان و ادبیات فارسی بهار و دیگر همکاران شفیق این مرکز خانم‌ها طاهره سادات میراحمدی، هاجر رسولی، معصومه اسدنی‌ا، رهرا مابری. همچنین از همکار گرامی آقای دکتر علیرضا اسدی که از دیدگاه‌های ارزشمند ایشان استفاده کرده‌ایم. از همه این بزرگواران سپاسگزارم.

غلامعلی فلاح

زمستان ۱۳۹۴

مقدمه

زبان پدیده‌ای اجتماعی است که هستی و هویت شاعران در بستر آن شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد. این پدیده ایا و پویای اجتماعی چنان درختی است که در گذر زمان دگرگونی‌ها و تحولاتی در آن صورت می‌پذیرد. بدون تردید دگردیدی‌های زبان به دنبال تحولات و تغییرات اجتماعی اتفاق می‌افتد. هرچه مدت تحولات اجتماعی و سیاسی و به تبع آن تغییرات در روابط اجتماعی و فرهنگی بیشتر و وسیع‌تر باشد، دگرگونی زبان نیز بیشتر خواهد بود.

این دگرگونی‌های زبانی، البته در حوزه دستوری و واژگانی صورت می‌گیرد. دگرگونی در سطح واژگان به دنبال ورود واژگان جدید، تحریک زبان یا افزایش کاربرد بعضی واژه‌ها و فراموش و منسوخ شدن یا کاهش میزان کاربرد برخی کلمات و گسترش حوزه معنایی واژه‌های رایج و یافتن معنای مجازی و کنایی یا محدود شدن حوزه معنایی آنهاست.

زبان فارسی دری در آغاز گویشی رایج در منطقه و قلمروی محدود بود که تحت تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی مختلف به‌ویژه به همت شاعران و نویسندگان شعر فارسی توانست به زبان معیار و رسمی تبدیل شود و بستری برای خلاقیت‌های فکری و علمی ایرانیان فراهم سازد، تا آنجا که شاهکارهای علمی و ادبی ماندگاری که شهره تاریخی آن‌ها را تا امروز حفظ کرده است.

شناخت و فهم شعر شاعران دوره تکوین زبان فارسی دری به دلایل مختلفی بسیار حائز اهمیت است. تهیه و تدوین فرهنگ حاضر به دنبال درک همین ضرورت بوده است. دوره رودکی و شاعران معاصرش یعنی حدود قرن سوم و چهارم هجری قمری بدون شک یکی از مشکل‌ترین ادوار تاریخ ادبیات فارسی برای تدوین فرهنگ لغت در حوزه شعر است. برخی از مهم‌ترین دلایل این دشواری عبارت‌اند از:

۱- وجود کلمات مهجور که غالباً شاعری در منابع دیگر ندارند و تأیید یا رد معنی، تلفظ و ساختار آنها فرهنگ‌نویسان را دچار چالش اساسی کرده است همانند:

فگندند بر لاد پرنیخ سنگ نکردند در کار موبد درنگ

رودکی (دیوان، نفیسی، ۵۴۲)

- بر مرادت چون نگردد تا قیامت دور چرخ
کز تو در سیرند دایم مهر و ماه و دزدمه
ابوسلیک گرگانی (بی دیوان، ۶)
- سرشک از مژه همچو در ریخته
چو خوشه ز سارونه آویخته
رودکی (دیوان، نفیسی، ۵۴۳)
- ای مسلمانان ز نهار ز کافرچگان
که به دروشت بتان چگلی گشت دلم
عماره مروزی (بی دیوان، ۳۶۰)
- عبدای توام سر عبدا را
ز همای توام میا کشان زهما را
قریحی (بی دیوان، ۳۲۸)
- این لب من بسین در ماه دی
زنده چو تشلیخ در کیشان
ابوالعباس ربنجی (بی دیوان، ۱۳۵)
- دلما چو آب بادی تنمان بهار بادی
از بیم چشم خاسد کش کرده باد باهک
ابوشعیب هروی (بی دیوان، ۱۶۶)
- مرا زنده انداز ای کس جای طلخ
همه جای دیگر کننم ز فلخ
طیان مرغزی (بی دیوان، ۳۱۲)
- آمد این شهیدیز ز امر نراج
در بجنانبند با بانگ و تلج
رودکی (دیوان، نفیسی، ۵۳۴)
- ضبط‌های نامفهوم و مغلوط:
یکی مرغ شنیدی به نزدیک او
- ترک خرد دیرش و زین و تفرجاق
که گیرد خرد که مکث و پو
عماره مروزی (هم عصر، ۲۵۵)
- به ضرب غمزه همه مکر و غول مختل بغت
مزه زده به به کوه و ساده به زنگار
جیبی فرغانی (بی دیوان، ۶۳۱)^۱
- مکه حرم کرد عرب را خدای
به غمزه ز جگر بر صبور لب مرهم
ابو طحی (بی دیوان، ۶۲۶)^۲
- دلا کشیدن باید عتاب و ناز بتان
عهد تو را که حرم در عجم
بسام کورد (بی دیوان، ۱۳)^۳
- فرا لاوی (بی دیوان، ۳۹)

۱. در لغت فارس، عباس اقبال، ص ۲۴۹ نیز همین ضبط آمده است.

۲. همین ضبط در یواقیت العلوم، ص ۱۷۸.

۳. همین ضبط در تاریخ سیستان، ص ۲۱۱.

تقویم به فرتان چنان خوار شد امسال	چون جخج به خمناوز و چون فنج به خالک
همه بفرستم و همه لوتم (۴)	قریع‌الدهر (بی‌دیوان، ۳۳۱) ^۱
	خورد برنتابند آن لوتم (۴)
	طیان مرغزی (بی‌دیوان، ۳۱۶) ^۲

- گوناگونی و تفاوت ضبط‌ها:

چون که زن را دید فغ کرد اشتلم	همچو آهن گشت و نداد ایچ خم
	رودکی (دیوان، نفیسی، ۵۳۷؛ دیوان، شعار، ۸۷)
در چاپ براگینسکی (ص ۲۳۶): و لغت فرس چاپ پاول هورن (ص ۸۹)، چاپ دبیرسیاقی (۱۳۲) و چاپ عباس اقبال (ص ۳۴۹) لغ و در لغت‌نامه دهخدا: لُج آمده است.	

- ابهام در معنای ابیات به دلیل مفقودبودن ابیات قبل و بعد:

دم سـلامت گرفته خاموش	پیچیده بر عافیت چو فرغند
	ابوالعباس رینجی (بی‌دیوان، ۱۲۹)
همچو سنگ است نیش از سختی	دم او همچو دم فلـماخن
	نجیبی فرغانی (بی‌دیوان، ۶۳۱)
از سـمندر تا بخیزد رود	تا همی ساج خیزد از سـندور
	خسروی سرخسی (بی‌دیوان، ۱۷۷)

- آمیختگی بین اشعار شاعران و انتساب یک بیت به دو یا چند شاعر:

مگر غیب و عیب است کایزد نداد	دگر هرچ بایست دانسی و داری
این بیت در اشعار پراکنده صفحه ۲۰ به فیروز شرقی و در شاعران بی‌دیوان به نقل از ترجمان‌البلاغه صفحه ۲۵ به پیروزی نسبت داده شده است.	
فدای آن قد و زلفش که گویی	فروشنه است از شمشاد شمشار
این بیت نیز در شاعران بی‌دیوان یکبار به نقل از مجمع‌الفصحاح (سند) جلد ۱، صفحه ۴۹۴ به لبیبی و بار دیگر به نقل از لغت‌فرس عباس اقبال صفحه ۱۲۵ به زینبی نسبت داده شده است.	
- انتساب بیتی با ضبط‌های متفاوت به دو یا چند شاعر:	

جوان بودم و پنبه فخمیدمی	چو فخمیده شد دانه برجیدمی
این بیت با ضبط مذکور در شاعران بی‌دیوان به نقل از صاحب‌الفرس صفحه ۹۲، فرهنگ رشیدی جلد دوم صفحه ۱۰۲۳ و مجمع‌الفرس سروری جلد سوم صفحه ۹۸۹ به خجسته سرخسی و در اشعار پراکنده به نقل از دیوان رودکی چاپ نفیسی سال ۱۳۱۹ صفحه ۱۱۰۳ به ابوشکور بلخی و در دیوان	

۱. در لغت فرس، عباس اقبال، ص ۷۱ نیز همین ضبط آمده است.

۲. و نیز لغت فرس، عباس اقبال، ص ۵۰

رودکی چاپ نفیسی سال ۱۳۱۹ صفحه ۱۱۰۳ به نقل از فرهنگی که سروری مأخذ آن بوده است به رودکی نسبت داده شده است و از سویی دیگر، این بیت با ضبطی متفاوت (مصراع دوم به صورت: چو فخمیدمی پنبه برچیدمی) در *شاعران بی‌دیوان* به نقل از لغت فرس عباس اقبال صفحه ۱۱۹ به طیان مرغزی نیز نسبت داده شده است.

همه این عوامل بر فقدان تصحیحی محکم و قابل اعتماد از اشعار این دوره تأکید می‌کنند. از سویی نیاز دانشجویان به ویژه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی به وجود فرهنگی یکدست و موجز از لغات و ترکیبات اشعار این دوره در قالب یک کتاب مستقل که سهولت دستیابی ایشان را فراهم کند، ما را بر آن داشت که در این راه پرفراز و نشیب گام برداریم. سال‌های دراز وقتی دیوان‌های شاعران پارسی‌زبان را مطالعه می‌کردیم و با واژه‌های مهجور و نادر آشنا می‌شدیم برای یافتن معانی آنها به فرهنگ‌های مختلف مراجعه می‌کردیم، لکن معانی در خور قبولی یافت نمی‌شد، چراکه بسیاری از دیوان‌ها، فرهنگ‌های لغات و ترکیبات خاص خود را می‌طلبند و بایست در حوزه زمانی و زبانی آن دیوان واژه‌ها شرح و معنی شوند. هرچه اثری مغفول‌تر و مهجول‌تر باشد و مخاطبان بیشتری داشته باشد توجه به آن اثر و دایره واژگانی آن و رفع ابهامات پیچیدگی‌های لفظی و معنایی آن نیز بیشتر اهمیت می‌یابد و زمینه و انگیزه را برای تدوین فرهنگ‌ها، اختصاصی در باب آن اثر بیشتر فراهم می‌کند؛ مثلاً یکی از آثار که همواره توجه فرهنگ‌پژنان را به خود جلب کرده است، هم به جهت مقبولیت آن نزد فارسی‌زبانان و هم به سبب وجود واژه‌های مهجور و کهن، *شاهنامه فردوسی* است. سابقه حضور ابیات این اثر ارزشمند در فرهنگ‌های فارسی به کهن‌ترین فرهنگ فارسی که به دست ما رسیده است، یعنی *لغت فرس* است. عده‌ای شاعر و لغوی نامدار قرن پنجم هجری، بازمی‌گردد. از این رو اولین فرهنگ تخصصی کتاب فارسی نیز درباره *شاهنامه* فردوسی است که در اواخر قرن ششم حدوداً بین سال‌های ۱۲۰۰-۵۵۹ ه. ق. با عنوان *معجم شاهنامه* به کوشش محمدبن الرضا بن محمد العلوی الطوسی مشتب به شریف دقترخان عادل (تألیف و تدوین شده است).^۲ بعد از آن نیز تا روزگار کنونی فرهنگ‌های تخصصی دیگری درباره *شاهنامه* فردوسی به چاپ رسیده است، از جمله:

۱. به نقل از مقاله «معجم شاهنامه و نکته‌هایی در شاهنامه‌شناسی». سجاد آیدنلو، مجله آینه میراث، دوره جدید، سال چهارم، شماره دوم و سوم تابستان و پاییز ۱۳۸۵ (پیاپی ۳۳ و ۳۴)، ص ۷۲.
۲. این کتاب به همت حسین خدیوچم در سال ۱۳۵۳ ش تصحیح شده و در انتشارات «بنیاد فرهنگ ایران» به طبع رسیده است.

۱- فرهنگ‌نامه فردوسی، از این کتاب نسخه‌ای در دست نیست و اولین بار بدر ابراهیم در فرهنگ خود به نام فرهنگ زفان مگویا^۱ که در اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم هجری قمری تألیف کرده است، از آن نقل قول می‌کند.

۲- فرهنگ لغات شاهنامه، از این کتاب نیز نسخه‌ای در دست نیست فقط در فرهنگ جهانگیری (تألیف: ۱۰۰۵-۱۰۱۷) به عنوان منبع معرفی شده است.

۳- لغت شاهنامه از عبدالقادر بغدادی است که در سال ۱۰۶۷ هجری به زبان ترکی تألیف شده است و مشتمل بر ۲۷۹۳ لغت است. خاورشناس روسی کارل گرمانویچ زالمان آن را در سال ۱۸۹۵ م تصحیح کرد و در سن پترزبورگ به طبع رساند.^۲

۴- گنج‌نامه از عابد بن لیفور بسطامی که به صورت نسخه خطی در کتابخانه آصفیه در حیدرآباد دکن نگهداری می‌شود و مورخ ۱۰۶۹ است. واژه‌های این نسخه به ترتیب حروف اول و دوم واژه مرتب شده‌اند و شواهدی از آن، از شاهنامه فردوسی است.^۳

۵- مشکلات شاهنامه، مؤلف ناشناخته، نسخه‌ای از این کتاب در دست نیست، فقط در فرهنگ شعوری به عنوان مأخذ از آن نام شده است.

۶- لغت شاهنامه از مؤلف ناشناخته، به صورت نسخه خطی در دارالکتب قاهره نگهداری می‌شود. تاریخ تألیف آن ۱۱۵۶ است.

۷- فرهنگ شاهنامه رساله کوچکی است مشتمل بر لغات فارسی کهن، پهلوی و پازند شاهنامه فردوسی که موبد عیدل بن موبد داراب از پارسین^۴ مدینه به فرمان سیر جونز مالکوم تألیف کرده است. این کتاب همراه با رساله‌های دیگر نویسنده در ۸۰۹ م در بمبئی منتشر شده است.

۸- گنج‌نامه از شاعری با تخلص «مجرم». این نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه پنجاب، مجموعه آذر، به شماره D-1/8481 نگهداری می‌شود و در دو بخش لغات و شایات تألیف شده است.

۹- فرهنگ شاهنامه فردوسی از فریتس وولف که در سال ۱۹۳۵ م در برلین آلمان به چاپ رسید و در سال ۱۹۶۰ م همانجا تجدید چاپ شد. این کتاب مشتمل است بر همه واژه‌های شاهنامه، با ذکر نشانی ابیات حاوی واژه، به ترتیب الفبایی و با تقسیم‌بندی منطقی در شرح و شای آنها به زبان آلمانی.^۴

۱. به کوشش نذیر احمد، پتته ۱۹۸۹ به چاپ رسیده است.
 ۲. این کتاب در سال ۱۳۸۲ ش به کوشش توفیق هـ سبحانی و علی رواقی به فارسی ترجمه شده و به همراه توضیحات و تعلیقات در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به طبع رسیده است.
 ۳. برای اطلاعات بیشتر درباره فرهنگ‌های تخصصی شاهنامه که در این مقدمه معرفی شده است رجوع کنید به مقاله «گاهی به فرهنگ‌های شاهنامه (از آغاز تا امروز)»، ابوالفضل خطیبی، نامه فرهنگستان، سال چهارم، شماره سوم و پایانی (۱۵)، پاییز ۱۳۷۷ و نیز «درآمدی بر منابع واژه‌گانی شاهنامه و معرفی گنج‌نامه»، ابوالقاسم رادفر، شاهنامه‌پژوهی، دفتر نخست با نظارت محمدرضا راشد محصل، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۵.
 ۴. در سال ۱۳۷۷ ش انتشارات اساطیر آن را در ایران افست کرده است.

- فرهنگ شاهنامه (۱۳۲۰ ش، تهران) اثر صادق رضازاده شفق. این فرهنگ نخست براساس لغت شاهنامه عبدالقادر بغدادی و فرهنگ‌هایی که به شاهنامه‌های چاپ بمبئی و امیر بهادر ضمیمه شده تدوین گردیده و سپس اثر وولف اساس کار واقع شده است. در چاپ دوم کتاب (۱۳۵۰) به کوشش مصطفی شهبابی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی) لغات بیشتری از جمله همه لغات عربی و نیز واژه‌های ساده که از نظر مؤلف دارای قدمت بوده‌اند، وارد شده و به ریشه برخی از آنها نیز اشاره شده است. برای هر لغت بیتی از شاهنامه و در اغلب موارد بیتی از شاعران پارسی‌گو، بر وجه شاهد، آمده است.

- واژه‌نامه تألیف عبدالحسین نوشین (چاپ اول: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران بی‌تا، چاپ دوم به کوشش مصطفی شهبابی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۰). از ویژگی‌های برجسته این فرهنگ معنی دقیق‌تر واژه‌ها و شرح بسیاری از ترکیباتی است که در فرهنگ‌های قبلی نیامده است.

- ملاحظاتی درباره لغت‌های عربی شاهنامه^۱ اثر پل هومبر^۲ که به سال ۱۹۵۳ م در نوشاتل فرانسه به چاپ رسیده است. مؤلف اثر، وی لغت‌نامه وولف فهرستی از ۹۸۴ واژه عربی شاهنامه را تهیه کرده و به تحلیل آنها پرداخته است.

- واژگان عربی در شاهنامه فردوسی^۳ اثر محمدجعفر معین‌فر که در سال ۱۹۷۰ م به چاپ رسیده است. نویسنده ابتدا به بررسی اسامی خاص از جهات متعدد، واژه‌های عربی در ابیات منسوب به فردوسی که تنها در فرهنگ عبدالقادر بغدادی یا تنها در شاهنامه چاپ فولرس یافت می‌شوند، لغات عربی که تنها در مقدمه شاهنامه یا در هجویه یا در فرهنگ عبدالقادر آمده‌اند، لغات مشترک فارسی و عربی، لغات معرب و سرانجام واژه‌های سنسکرتی، یونانی و لاتینی در فارسی و عربی پرداخته و سپس ۷۰۶ لغت عربی شاهنامه را بررسی کرده است. در پایان کتاب با توجه به اصول زبان‌شناسی و معنی‌شناسی، فهرست‌ها و منحنی‌های دقیقی از تکرار و توزیع واژه‌ها ارائه کرده است.

- واژه‌های ناشناخته در شاهنامه (دفتر یکم، ۱۳۵۱، تهران؛ دفتر دوم، ۱۳۵۳، تهران) اثر علی رواقی. دفتر یکم آن شامل شرح هفت واژه و دفتر دوم شرح نه واژه دشوار شاهنامه است.

- فرهنگ نام‌های شاهنامه (ج ۱، ۱۳۶۹؛ ج ۲، ۱۳۷۰، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی) اثر منصور رستگار فسایی. نام‌ها از شاهنامه چاپ مسکو و اگر در آن وجود نداشته از فرهنگ وولف نقل شده است.

1. Observations sur le Vocabulaire Arabe du Châhnâmeh

2. Paul Humbert

3. le vocabulaire arabe dans le livre des rois de ferdousi